

تحلیل روابط حکام و خان‌های ماکو با آن سوی ارس

جعفر آقازاده | مسعود بیات | فاطمه نظارت

چکیده

خان‌های بیات ماکویی، در زمان حکومت شاه‌عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق.)، به ماکو کوچانده شدند، تا زیر نظر حاکمان این منطقه مرزی به دفاع از آن بپردازند. منشأ و مسکن اولیه گروهی از بیات‌های ماکو منطقه ایروان بود. این امر، تأثیر مهمی در روابط آنها با ناحیه قفقاز و دیگر اعضای خاندان بیات ساکن این منطقه داشت. بیات‌های ماکو، به تدریج، با ضعف دیگر حاکمان منطقه شمال غرب کشور و کاهش قدرت دولت مرکزی ایران به قدرت مسلط ماکو تبدیل شدند و با توجه به هم‌مرز شدن ماکو با روسیه و عثمانی، بر اثر معاهده ترکمنچای، نقش مهمی در تحولات این ناحیه ایفا کردند. اعضای این خاندان، بعد از جدایی اولیه از دیگر اعضای ایل بیات در ایروان، همچنان به پیوندهای خویش با آنها ادامه دادند. این روابط با آن سوی ارس، در زمان حکومت مرتضی قلی خان اقبال السلطنه (حکومت ۱۳۱۶ - ۱۳۴۱ ق.) شکل منسجم‌تری پیدا کرد و او برای حفظ حاکمیت خود در ماکو به گسترش این روابط اقدام نمود.

کلیدواژه‌ها

خان‌های ماکو / اقبال السلطنه ماکویی / روابط / طایفه بیات / روسیه / آن سوی ارس

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و سوم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۲)، ۲۶-۳۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۵ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

تحلیل روابط حکام و خان‌های ماکو با آن سوی ارس

جعفر آقازاده^۱ | مسعود بیات^۲ | فاطمه نظارت^۳

مقدمه

خاندان بیات ماکویی، با کوچانده شدن از عراق و چخور سعد^۴، به ماکو، در زمان صفویه، به مرور زمان باتوجه به ضعف قدرت قاجارها و هم‌مرز شدن ماکو با روسیه، در نتیجه معاهده ترکمانچای، نقش مسلطی در تحولات این ناحیه ایفا کردند و باتوجه به این موقعیت برتر خود در منطقه و روابط خانوادگی با حکام ایروان، به ایجاد روابط نزدیک با متنفذین آن ناحیه و روسیه اقدام کردند. با قرار گرفتن اقبال‌السلطنه در رأس خاندان بیات و حکومت ماکو، گستردگی این روابط و پیوندها تشدید شد. متنفذین قفقاز و دولت روسیه هم در ادامه سیاست ایجاد روابط با خان‌ها و امرای شمال ایران و اعمال فشار به دولت ایران از طریق این عوامل، به ایجاد روابط سیاسی، نظامی، و فرهنگی با سردار ماکو اقدام کردند. اقبال‌السلطنه، با این روابط، توانست قدرت خود را در ماکو مستحکم و حاکمیت ایران را در این منطقه تضمین کند.

در این مقاله، مشکل جدی بر سر راه تحقیق، کمبود اسناد و مدارک کافی برای ایجاد تصویری روشن و شفاف بود؛ اگرچه اسناد موجود در آرشیوهای داخلی تا حدی این مشکل را بر طرف می‌کنند. با این همه، ما سعی کردیم با بهره‌گیری از اسناد و منابع مربوط تا حد امکان زوایای این روابط را مشخص کنیم.

در این مقاله، کوشش بر این است که روابط خان‌های بیات ماکویی با آن سوی ارس

۱. استادیار تاریخ ایران دانشگاه محقق اردبیلی
j.agazadeh@gmail.com
۲. استادیار تاریخ ایران دانشگاه ارومیه
mas_bayat@yahoo.com
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ
از دانشگاه اصفهان.

۴. منظور از «عراق» که در منابع آمده
مشخص نیست، ولی به احتمال زیاد، منظور
همان عراق عجم است. چخور سعد، همان
ایالت ایروان می‌باشد، که در دوره صفویه
به این نام معروف بود (دانش پژوه،
۱۳۵۷: ۲۴۹).



تحلیل شود. حیطه زمانی این مقاله، از زمان کوچ این خاندان به ماکو (در زمان شاه عباس دوم صفوی) تا سال ۱۳۰۲ ش.، یعنی سال قتل اقبال السلطنه و پایان حکومت این خاندان بر ماکوست. آنچه که در این مقاله محوریت دارد روابط با آن سوی ارس و متنفذین این ناحیه در همه اشکال سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی است. اما نکته قابل ذکر این است که چون بعد از معاهده ترکمانچای (۱۲۴۳ ق.)، ناحیه قفقاز تحت سیطره روس‌ها درآمد، روابط بیات‌های ماکو با قفقاز تا حدی تحت تأثیر روابط با روس‌ها قرار گرفت لذا جدا کردن این روابط از هم تا حدی مشکل می باشد.

روابط خان‌های ماکو با آن سوی ارس از ابتدا تا پایان حکومت تیمورپاشاخان

سر آغاز روابط خان‌های ماکو با آن سوی ارس، مربوط به کوچ اعضای این خاندان در زمان شاه‌عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق.) از چخورسعد (ایروان) به این ناحیه است. شاه‌عباس دوم، بعد از اینکه بر حاکم یاغی قلعه ماکو غلبه کرد، دستور داد که حدود سیصد خانوار از جماعت ایل بیات ساکن چخورسعد و ولایت عراق را به ماکو آورده تا نزد خانعلی سلطان، حاکم قلعه مذکور، به خدمت قراولی در ناحیه مشغول شوند. ریاست این گروه را مصطفی بیگ، جد بزرگ خوانین ماکو برعهده داشت (نصرت ماکویی، بی تا، صص ۳-۴). تاریخ فتح این قلعه توسط شاه‌عباس دوم، براساس سنگ‌نوشته‌ای که به امر او در دیوار قلعه ماکو حک شده است، سال ۱۰۵۲ ق. است.^۱ پس می‌توان حدس زد سکونت ایل بیات در ماکو باید کمی بعد از این حادثه اتفاق افتاده باشد. اعزام اعضای ایل بیات به ماکو، در ادامه سیاست‌های شاه‌عباس دوم صفوی بود. وی، برخلاف جدش شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق.) - که قبایل نظامی را از مرز آذربایجان می‌کوچانید، قبایل را بار دیگر برای اهداف نظامی به ناحیه شمال غرب کوچ داد (سیوری، ۱۳۷۲، صص ۲۳۱). در دوره زندگی، بیات‌های ماکو، به رهبری احمد سلطان تحت تابعیت «محمدخان زیاد اوغلو قاجار» حاکم ایروان بودند (افتخاری بیات، ۱۳۸۱، صص ۲۱-۲۲). بعد از فوت احمدسلطان، در سال ۱۱۹۱ یا ۱۱۹۲، پسرش «حسین‌خان» به حکومت ماکو رسید. در زمان حکومت وی بود که بعضی از اعضای خاندان دنبلی، که حکومت خوی را برعهده داشتند، علیه قاجارها شوریدند. این امر، زمینه براندازی قدرت سیاسی این خاندان در خوی توسط عباس میرزا (۱۲۰۳-۱۲۴۹) را فراهم آورد (سپهر، ۱۳۵۳، ج ۱، صص ۱۰۰-۱۰۵). این حادثه، زمینه قدرت‌یابی خاندان بیات در ناحیه شمال غرب کشور در سال‌های بعدی شد، زیرا دنبلی‌ها سالیان درازی قدرت برتر این ناحیه بودند و با وجود این، خاندان بیات‌های ماکو مجالی برای قدرت‌یابی نداشتند.

۱. تاریخ فتح این قلعه، براساس ماده تاریخ مصرع آخر «تاریخ غنم» مصادف با سال ۱۰۵۲ ق. می‌باشد.



موضع خوانین ماکو در جنگ‌های ایران و روسیه مشخص نیست، اما در مسئله پرداخت غرامت جنگ و واگذاری سرزمین‌ها، پاسکویچ، سردار روس، با استناد به اینکه ولایت ماکو هم جزء ایروان است، خواستار الحاق ماکو به روسیه شد؛ ولی عباس میرزا، با آوردن دلایلی ثابت کرد که این شهر جدا از ایروان است و از پیوستن ماکو به روسیه جلوگیری کرد (انصاری، ۱۳۴۹، صص ۶۹-۷۱؛ غنی، اقبال، ۱۳۲۳، ص ۲۱).

عهدنامه ترکمانچای و تعیین رود ارس به عنوان مرز میان ایران و روسیه، موجب شد که منطقه ماکو به عنوان مرز میان سه کشور اهمیت بسیار زیادی پیدا کند و این شهر و حکام آن همواره در معرض دخالت‌های دو کشور روس و عثمانی قرار گیرند. این مسئله، سبب اهمیت خوانین ماکو شد. بنابراین، دولت مرکزی ایران سعی کرد با دادن قدرت و اختیارات زیاد، حاکمان این شهر را به دولت مرکزی دلگرم نماید. خان‌های ماکو، با وجود آنکه همواره روابطی با این دو کشور داشتند، هرگز در صدد قطع علاقه به ایران و سرسپاری کامل به یکی از این دو کشور برنیامدند. اگرچه، گاه آنها خود را به یکی از این دو قدرت نزدیک می‌کردند، این مسئله با ضعف دولت مرکزی ایران و نداشتن توان و نیروی لازم برای حمایت از خان‌های ماکو در برابر تجاوزهای احتمالی این دو کشور، به نظر تنها راه حفظ حاکمیت خان‌های بیات در ماکو و در نتیجه، حفظ حاکمیت دولت مرکزی ایران در این منطقه سوق‌الجیشی بود.

با سلطنت محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق.) و به صدارت رسیدن حاجی میرزا آقاسی، دوره‌ای جدید در سرنوشت خاندان بیات ماکویی آغاز شد. حاجی میرزا آقاسی، از ایل بیات ایروان و متولد این شهر بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹، ص ۱۵۳). حاجی، با رسیدن به صدارت، بسیاری از اقوام خویش در ایل بیات ماکو را به مناصب بالای حکومتی در تهران و دیگر شهرها رسانید و آنها با بهره‌گیری از این موقعیت خزانه خود را از ثروت انباشتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹، ص ۲۸؛ خورموجی، ۱۳۴۴، ص ۲۳۹). خان‌های بیات ماکو، با حفظ رابطه با اعضای قبیله بزرگ‌تر بیات در ایروان، در طول اقامت خود در ماکو، و با بهره‌گیری از قدرت و نفوذ حاجی میرزا آقاسی که از خویشان آنها بود، شالوده قدرت خود را در منطقه پی‌ریزی کردند. علی‌خان ماکویی، که در سال ۱۲۳۸ جای پدر را در حکومت ماکو گرفته بود، بعد از ۴۶ سال حکومت در ماکو، در سال ۱۲۸۴ ق. فوت کرد. بعد از وقفه‌ای، تیمور پاشاخان، پسر علی‌خان، به حکومت ماکو رسید (حکومت ۱۲۹۲-۱۳۱۶ ق.). (نصرت ماکویی، بی تا، صص ۳۰-۳۱). با ضعف حکومت قاجار، قدرت و اعتبار دولت مرکزی نزد حکومت‌های محلی به شدت کاهش یافت. اعضای خاندان ماکویی نیز با آگاهی از این ضعف به تحکیم قدرت خود در منطقه اقدام کردند و به دستورات دولت مرکزی بی توجهی نشان دادند و



از سوی دیگر، به روابط دیرینه خود با آن سوی ارس ادامه دادند و همواره می‌کوشیدند تا آنجاکه می‌توانند با نادیده گرفتن فرمان‌های دولتی و نپذیرفتن مدیریت حکومت مرکزی در امور خود، آزاد و خودسر در ماکو فرمانروایی کنند (طاهر احمدی، ۱۳۷۶، ص ۵۵). برای نمونه، وقتی در ۱۲۹۵ ق. برای انتظام امور سرحدات و تصمیم‌گیری درباره آن از خوانین ماکو خواسته شد که همراه ولیعهد در رأس قوای خود عازم تهران شوند، تیمور پاشاخان به بهانه مریضی و برای معالجه به همراه زن و دختر خویش عازم تفلیس شد و عنوان کرد تا یکسال بهبود نخواهد یافت. دولت ایران، برای کشاندن او به تهران، خواستار اعمال فشار به وی از طریق کنسولگری ایران در تفلیس شد (طاهر احمدی، ۱۳۷۰، صص ۱۸۶ و ۲۱۵-۲۱۶).

ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.) در سال ۱۲۹۵ ق.، برای دومین بار عازم سفر فرنگستان شد. مسیر حرکت او از راه تفلیس و قفقاز بود و می‌بایست از راه شاه‌تختی (نزدیکی شهر پلدشت فعلی) در ماکو عازم روسیه شود. تیمور پاشاخان، همراه اعیان و قشون ماکو، عازم استقبال از شاه در شاه‌تختی شد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، ص ۵۰)، و تا ایروان شاه را همراهی کرد. در این زمان، تیمور پاشاخان در رود ارس و مرز شاه‌تختی با نخجوان، دو کشتی داشت که وظیفه انتقال مسافر و بار را انجام می‌دادند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، صص ۶۰-۶۱). همراهی تیمور پاشاخان با شاه در این مسافرت، نشان‌دهنده نفوذ تیمور پاشاخان در این ناحیه و آشنایی وی با این منطقه است. انتقال مسافر از طریق کشتی در مرز ایران و روسیه هم باعث افزایش مراودات خان‌های ماکو با ماورای ارس می‌شد.

قاجاق‌کرم، که ماجرای راهزنی‌های او در خاک ایران و عثمانی و روسیه^۱ معروف بود، به ادعای خودش، حدود دو ماه در ماکو در پناه تیمور پاشاخان زندگی کرد (سعدوندیان، ۱۳۸۰، ص ۷۹). تیمور پاشاخان، تحت فشار دولت مرکزی ایران و دولت روسیه و عثمانی در صدد برآمد که وی را دستگیر کند اما موفق نشد (سعدوندیان، ۱۳۸۰، ص ۸۲). در سال ۱۳۰۷ ق.، کرم، بعد از جراحاتی که در برخورد با نظامیان روس پیدا کرده بود، به تیمور پاشاخان پناه آورد؛ ولی وی، با وجود اصرار روس‌ها، به علت ترس از انتقام‌گیری کرم حاضر نشد که او را به روس‌ها تحویل دهد (فوریه، بی‌تا، ص ۱۰۶). از سوی، مادر کرم، با اهدای چهارده رأس گاونر به خان ماکو، نظر مساعد وی را برای پناه دادن به قاجاق‌کرم جلب نموده بود. کرم، در ۱۸ محرم ۱۳۰۷، در بازگشت ناصرالدین شاه از سفر سوم فرنگ، به وساطت تیمور پاشاخان، از شاه تأمین جانی گرفت و بعد به حضور وی رفت و مورد عفو واقع شد. کرم، در تهران اقامت کرد و از نگاهبانان مخصوص امین‌السلطان صدراعظم گردید (سعدوندیان، ۱۳۸۰، صص ۱۲-۲۳). تیمور پاشا و دیگر خوانین ماکو، در کنار رفت و آمدهای سیاسی به قفقاز، با این ناحیه

۱. (بنگرید به بامداد، ۱۳۴۴، ج ۳، صص ۱۶۳-۱۶۷؛ سعدوندیان، ۱۳۸۰).



روابط تجاری هم داشتند. در سال ۱۳۱۶ق. با وجود آنکه غله در منطقه نایاب بود، خوانین گندم‌های ذخیره شده در انبارهای خود را با قیمت گزافی به روسیه فروختند (ضرغام، ۱۳۶۹، ص ۱۲۵). این امر، شاید تنها نمونه کوچکی از روابط تجاری خوانین با قفقاز باشد که در منابع به آن اشاره شده است، زیرا به علت موقعیت خاص ماکو در مجاورت با روسیه، خان‌های ماکو روابط تجاری گسترده‌ای با این ناحیه داشتند.

روابط مرتضی قلی خان اقبال السلطنه با آن سوی ارس

بعد از مرگ تیمور پاشاخان (۱۳۱۶ق./۱۲۷۷ش.)، تنها پسر او، مرتضی قلی خان (متولد ۱۲۴۲ش./۱۲۸۰ق.) با لقب «سردار و اقبال السلطنه» به حکومت ماکو رسید (افتخاری بیات، ۱۳۸۱، ص ۴۲). ماکو، محل عبور و مرور ایلات و عشایر بود. این ایلات، در مناطق مرزی ایران-عثمانی و روسیه بیلاق و قشلاق می‌کردند. این عشایر، از سه ایل جلالی، میلان، و حیدرانلو تشکیل می‌شدند. اینها تابع هیچ نظم و قانونی نبوده و اغلب اغتشاشاتی در ناحیه ایجاد می‌کردند، اما اقبال السلطنه این عشایر را در حیطه نظارت خود درآورد و از شرارت‌های آنها در این منطقه جلوگیری کرد (استادوخ: ۲۱-۲-۲۷-۱۳۲۳ق.). نفوذ سردار ماکو در میان ایلات و عشایر و بهره‌گیری از استعداد نظامی آنها، قدرت زیادی به سردار در منطقه ماکو و سرزمین‌های حاشیه‌ای روس و عثمانی می‌بخشید، که هم‌مرز با ماکو و محل بیلاق و قشلاق عشایر بود. این مسئله، در کنار دیگر عوامل، زمینه تعاملات وی با روس و عثمانی را باعث می‌شد و بی‌شک نقش مهمی در حمایت قاجارها از اقبال السلطنه داشت، زیرا اغتشاش در این ناحیه می‌توانست باعث دخالت روس و عثمانی شده و عواقب بدی برای ایران به دنبال داشته باشد. با ضعف قدرت نظامی ایران، اقبال السلطنه، با کیاست و بهره‌گیری از قدرت ایلات منطقه، و از سویی با ایجاد روابط حسنه با روس و عثمانی، توانست به نمایندگی از دولت ایران، نفوذ و حاکمیت دولت ایران را در ماکو حفظ کند.

از وقایع مهم ایران، هم‌زمان با حکومت اقبال السلطنه در ماکو (۱۲۷۷-۱۳۰۲ ش./۱۳۱۶-۱۳۴۲ق.)، وقوع انقلاب مشروطیت بود. با پیروزی انقلاب مشروطه و تأسیس انجمن در شهر ماکو، مردم این شهر بنای بدرفتاری با اقبال السلطنه را گذاشتند و او را تحت فشار قرار دادند. با اغتشاش ماکو و مناطق اطراف و بر اثر فشارهای زیاد، سردار، به‌همراه چند تن از خوانین دیگر در تاریخ ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، به ایروان نزد پناه‌خان، پدر زن خود فرار کرد (حبل‌المتین تهران، ۱ (۹۳)، ۸ رجب ۱۳۲۵ ق.)، ص ۳؛ استادوخ: ۴۲-۴-۵-۱۳۲۵ق.). ازدواج اقبال السلطنه با دختر پناه‌خان و پناه بردن به وی، حاکی از روابط دیرینه سردار با این خانواده است.



اقبال السلطنه توانست با حمایت‌های دربار تهران، روسیه، و اکراد منطقه به ماکو حمله کرده و بساط مشروطه و انجمن شهر را با قلع و قمع شدید آنها برچیند (حبیل‌المتین تهران، ۱(۶۳)، (۲۷ جمادی الاول ۱۳۲۵ق)، ص ۱).

بعد از این موفقیت، با تعرضات اکراد، به تحریک سردار، به روستاهای خوی، نبردهای خونینی میان طرفین شکل گرفت که با وساطت انجمن ایالتی تبریز میان طرفین صلح برقرار شد (شیخ‌الاسلام، ۲۵۳۶، اغلب صفحات؛ کسروی، ۱۳۷۸، ص ۴۷۱). در حین نبرد و کشاکش با اهالی خوی، اقبال‌السلطنه، با ارسال تلگرافی به عبدالحسین میرزا فرمانفرما، والی آذربایجان، ضمن متهم کردن اهالی خوی به آغاز منازعات، تهدید کرد که در صورت ادامه حملات اهالی خوی «... چاکران با عموم ولایت به دولت روس و عثمانی کوچ کنیم آنها هم ببینند از تازه اینجا را آباد نمایند» (روزنامه انجمن تبریز، ۱(۱۴۷)، (۲۸ شعبان ۱۳۲۵ق)، صص ۳-۴). تلاش برای جلب حمایت روسیه و گرویدن به این کشور، بعد از استعفای محمدعلی‌شاه که از بزرگ‌ترین حامیان خوانین بود، دوباره در برنامه اقبال‌السلطنه قرار گرفت. عفو عمومی اعلام نشده بود و سردار ماکو از اقدامات تلافی‌جویانه مردم منطقه می‌ترسید. خوانین ماکو، بار دیگر، برای تضمین حاکمیت خود در منطقه، به روس‌ها متوسل شدند. این مسئله، در اسناد محرمانه انگلستان در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۲۸۷ بازتاب یافته است:

«یکی از خویشان خان ماکو در بایزید به ویس‌فئسولگری روسی پناهنده شد و می‌خواهد خوانین ماکو را به حمایت روسیه وارد نماید تا از حملات ملتیان که منظور دارند فراغت تحصیل نمایند. مسیو سابلین از دولت متبوعه خود اجازه خواسته تا به همراهی من به دولت ایران اصرار کنیم که اعلان عفو عمومی را منتشر نماید تا به این ترتیب اقدامات اغتشاش‌کارانه ملتیان مثل این که می‌خواهند به خان ماکو حمله نمایند رفع شده و دیگر سفارتین خصوصاً سفارت روس تا به این اندازه از حمایت مستبدین دچار زحمت نباشند» (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۶۶۳).

اقبال‌السلطنه، در ۱۳۲۸ق، به ایروان مسافرت کرد. هدف او در این سفر این بود که به حساب پول‌های خود، که نزد بانک روسی در ایروان بود، رسیدگی کند. از طرفی، چون زن دوم او - دختر پناه‌خان ایروانی بود - فوت کرده بود، او در ایروان با دختر دیگر پناه‌خان ازدواج کرد. اما در این سفر، دولت مرکزی، که از روابط وی با روس‌ها می‌ترسید، افرادی را مأمور کرده بود تا اقدامات او را زیر نظر داشته باشند. سردار، اول ماه صفر ۱۳۲۸، به این مسافرت رفت و بعد از زمان طولانی اقامت در این شهر، در اواخر ماه ربیع‌الاول به ماکو بازگشت. سردار، تمام عشایر منطقه را در این سفر به حالت آماده‌باش درآورده بود



تا در غیاب وی، از ماکو و منافع او حمایت کنند؛ ولی معلوم نیست که چه کسی را به جانشینی خود گماشته بود (ساکما: ۲۹۳۰، ۳۰۴۴؛ استادوخ: ۱۹-۲۵-۲۱-۱۳۲۸ق.). سردار، در این مسافرت، گویا به توافق‌هایی با روس‌ها دست یافت که در گزارش زیر به خوبی بازتاب یافته است:

«... همسایه شمالی بهر طریق که ممکن شود ایلات را بر ضد دولت بر می‌انگیزد و همین پلتیک را در ماکو هم تعقیب نموده است چنانکه در روز ورود چاکر بماکو ۲۰ صندوق در هریک ۲۵ قبضه تفنگ پنج تیر روسی همراه با ۷ صندوق فشنگ از نخجوان به ماکو فرستادند و تفصیل آن از این قرار است که چندی قبل حسین‌خان نخجوانی (ژنرال گارد امپراطوری دولت روس)... به ماکو آمد و محرمانه مذاکرات زیادی با اقبال‌السلطنه نموده و مراجعه کرده است» (استادوخ: ۵-۲۱-۲۱-۱۳۲۹ق.). خوانین ایروان و نخجوان، روابط نزدیکی با سردار داشتند و در واقع می‌توان گفت که آنها بیشتر رابط سردار با روس‌ها بودند و اقبال‌السلطنه را به تبعیت و همکاری با دولت روسیه تشویق می‌کردند (استادوخ: ۵-۲۱-۳۳-۱۳۲۹ق.).

روس‌ها، بعد از تبعید محمدعلی‌شاه از ایران، توسط ملیون، بزرگ‌ترین عامل نفوذ خود در ایران را از دست دادند، پس تمام تلاش خود را برای به شکست کشاندن مجلس دوم آغاز کردند. آنها وقتی نتوانستند از طریق حمایت از محمدعلی‌شاه مخلوع به هدف خود نایل شوند، سیاست نفوذ در میان متنفذان شمال و وابسته کردن آنها به روسیه و تضعیف اقتدار دولت مرکزی را دنبال کردند و در نهایت، با لشکرکشی به ایران و تحمیل اولتیماتوم خود به دولت ایران، مجلس دوم را به تعطیلی کشاندند. لشکرکشی و اشغال آذربایجان، این ایالت را تقریباً از نظارت دولت مرکزی ایران خارج کرد. این وضعیت، فرصت خوبی برای نزدیکان به سیاست روسیه در ایران بود که قدرت خود را گسترش دهند. اقبال‌السلطنه نیز از این افراد بود که با روس‌ها «پیوستگی‌هایی» داشت (کسروی، ۱۳۸۴، ص ۵۵۰). اقبال‌السلطنه، از سال‌ها قبل، روابط خوبی با روس‌ها داشت. اشغال نظامی آذربایجان، فرصت بسیار مناسبی برای وی بود تا قدرت خویش را تحکیم بخشد. دامن، قدرت سردار در این زمان، در زیر سایه حمایت روس‌ها، تا شهر خوی هم بسط یافت، و او در سال ۱۲۹۰ ش. / ۱۳۲۹ق. عامل خود را به حکومت این شهر فرستاد (ریاحی، ۱۳۷۲، صص ۴۸۰-۴۸۲). نزدیکی سردار ماکو به روس‌ها به نحوی بود که عکس نیکلای دوم را بر دیوار کاخش نصب کرده بود (عزیزالسلطان، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۲۸۷). با نزدیک شدن به سیصدمین سالگرد تأسیس سلطنت خاندان رومانف در روسیه، اقبال‌السلطنه هم برای نشان دادن دوستی خود به روس‌ها، جشن و مهمانی بزرگی به این مناسبت ترتیب



داد(استادوخ: ۵-۵-۵۸-۱۳۳۱ق.). سردار ماکو، برای ادامه حاکمیت خود در ماکو، مجبور به قرار گرفتن در مسیر سیاست روسیه بود.

منطقه ماکو بین سه دولت ایران، روسیه، و عثمانی واقع شده بود و این امر حساسیت ویژه‌ای به این ناحیه در روابط میان این سه قدرت می‌بخشید. با آغاز جنگ جهانی اول و قرار گرفتن عثمانی و روسیه در دو اردوی متخاصم، موقعیت استراتژیک ماکو از بعد نظامی و سوق‌الجیشی دوچندان شد. ماکو، محل عبور و ارتباط میان روس و عثمانی شد. قبل از آغاز جنگ اول، اقبال‌السلطنه، در چرخشی آشکار، از روس‌ها روی‌گردان شد و به عثمانی‌ها تمایل پیدا کرد. این تغییر رویه، با توجه به منافع استراتژیک روس‌ها در ماکو، با واکنش شدید روس‌ها مواجه گردید. در نتیجه، آنها، در رمضان ۱۳۳۲ق. اقبال‌السلطنه را به تفلیس تبعید نمودند(استادوخ: ۴۸-۲۴-۴۱-۱۳۳۲ق.) و فردی طرفدار خود را به حکومت ماکو گماردند. اقبال‌السلطنه، بیش از دو سال به حالت تبعید در تفلیس زندگی کرد و تلاش دولت ایران برای بازگرداندن وی به نتیجه نرسید. وی، بعد از بازگشت به ماکو، در ۱۶ صفر ۱۳۳۵ / آذر ۱۲۹۵، که پسر خود را برای تضمین وفاداری به روس‌ها در دست آنان به گروگان گذاشته بود(استادوخ: ۴-۱۹-۴۲-۱۳۳۵ق.)، سیاست حمایت از روس‌ها را ادامه داد. اما بعد از خروج روس‌ها از ایران، بر اثر انقلاب ۱۹۱۷، وی به حمایت از عثمانی‌ها در برابر ارامنه اقدام کرد^۱.

جنگ جهانی اول (۱۳۳۲-۱۳۳۶ق./ ۱۹۱۴-۱۹۱۸)، در کنار همه مصایبش برای ایران، قحطی و گرسنگی شدیدی هم به دنبال آورد. سال‌های ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ش. اوج این قحطی بود. این قحطی، در آذربایجان هم بسیار گسترده بود(آبادیان، ۱۳۸۵، صص ۲۱۳-۲۹۲). خان‌های ماکو، در این شرایط هم با تطمیع و تهدید مأموران گمرکی، به آن سوی ارس غلات می‌فرستادند و به تصمیم‌های دولت مرکزی درباره منع صدور غله وقعی نمی‌نهادند(روزنامه رعد، ۱۰/۱۲۱)، (۵ ذیحجه ۱۳۳۷)، شماره صفحه ناخوانا؛ استادوخ: ۴۸-۶-۴۲-۱۳۳۷ق.).

بدون تردید، جدی‌ترین و مهم‌ترین رابطه سردار ماکو با آن سوی ارس و روسیه، قرارداد تجاری وی با نمایندگان روسیه، قفقاز و ارمنستان، بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بود^۲. با توجه به اهمیت این قرارداد در روابط میان سردار ماکو با آن سوی ارس و دولت مرکزی ایران، قسمت‌هایی از این معاهده را در زیر می‌آوریم:

«ما امضاءکنندگان ذیل، نماینده مختار مخصوص شورای انقلابی نظامی کراوارسه فرونت قفقاز و کمیسریای مرکزی کتوپراتهای^۳ روسیه ساوتی ۱۰۵ بالاندین و نماینده مختار تجارت خارجی ارمنستان ساوتی م.م کازاریانس از یک طرف و مرتضی قلی‌خان

۱. برای آگاهی از جزئیات مربوط به روابط اقبال‌السلطنه در جنگ جهانی اول با روس و عثمانی بنگرید به: آقازاده و بیات، ۱۳۸۸، صص ۹-۲۶.
۲. برای آگاهی بیشتر از جزئیات این قرارداد و نقش روابط با روسیه در قتل اقبال‌السلطنه به دست رضاخان بنگرید به: آقازاده، ۱۳۸۸، صص ۵۵-۶۴.
۳. کلماتی که در این سطر ناخوانا هستند، گویاروسی هستند که در ترجمه به فارسی، شکل و معنای خود را از دست داده‌اند.



سردار ماکو از طرف دیگر با نهایت رغبت و میل تشدید مبانی مودت و همجواری و همسایگی دارند موارد ذیل را برای این که روابط اقتصادی را احیا نمایند به قراری که ملاحظه می‌شود منعقد ساخته‌اند. من سردار ماکو:

۱. به بالاندین و کازاریانس حق می‌دهم که آزادانه در حیطة خان‌نشین ماکو و محالات و ولایات که در تحت اداره من هستند جو و گندم و غیره و سایر محصولات خام از قبیل پشم و پنبه و پوست ساخته و چرم خام از هر قبیل و تذبیح گاو و دواب شیرده از هر قسم و جنس و بزرگی و کوچکی و همچنین محصولات زراعتی و آلات فلاحتی خریدار نمایند.
۲. به اشخاص فوق حق می‌دهم که بدون هیچ‌گونه ممانعت اشیاء خریداری شده مذکور در ماده اول را از قلمرو خان‌نشین ماکو و ولایات تابع آن حمل نمایند.
۳. همچنین به آن‌ها اجازه داده می‌شود که مال‌التجاره خود را در قلمرو خان‌نشین ماکو و ولایات تابعه وارد آزادانه به محل فروش گذاشته و یا معاوضه نمایند.
۴. برای اجرای مواد فوق به آن‌ها حق می‌دهیم که آژان‌های (نمایند) خود را ... در نقاط گمرکی ... تعیین نمایند و من خان ماکو مصونیت جانی و مالی نماینده‌های مزبور را تضمین و به آن‌ها اجازه استفاده از هرگونه وسایل حمل و نقل و مخبره می‌دهد.
۵. متعهد می‌شوم که هیچ‌کس به هر اسم و رسم از هر اداره رسمی و غیررسمی هم که باشد چنانچه اجازه رسمی رفیق بالاندین و رفیق کازاریانس را نداشته باشند اجازه حمل و نقل و خرید مال‌التجاره و ارزاقی را که در فصل اول این قرارداد مذکور است ندهم» (ساکما: ۲۴۰۰۰۷۱۵۳).

اما نمایندگان شوروی هم تعهداتی برعهده گرفتند. از جمله اینکه از قیمت اجناس خریداری شده ۵ درصد به سردار داده خواهد شد. تاریخ امضای قرارداد، که نمایندگان سردار آن را امضا کردند، ۲۲ رمضان ۱۳۳۹ (خرداد ۱۳۰۰) می‌باشد. انعقاد این قرارداد، بعد از امضای عهدنامه دوستی ایران و شوروی، در اسفند ۱۲۹۹ بود. این رابطه سردار با شوروی‌ها و نمایندگان جمهوری‌های تحت تابع شوروی در قفقاز را باید در ادامه و تداوم روابط او با روس‌ها و حکام قفقاز دانست. هدایت، به مطلبی اشاره می‌کند که برای بررسی این قرارداد مهم است: «در سرخرید گندم [شوروی‌ها] به اقبال‌السلطنه پیغام کردند: بفروش [ی] می‌خریم، نمی‌فروشی، می‌آئیم می‌بریم» (۱۳۷۱، ص ۳۶۷). این مسئله نشان می‌دهد که سردار ماکو تحت فشار و تهدید شوروی‌ها حاضر به امضای این قرارداد شد. دلیل این اعمال فشار و رابطه با اقبال‌السلطنه، بعد از عهدنامه دوستی با ایران، گویا برای اعمال فشار به دولت ایران برای اجرایی کردن مفاد قرارداد دوستی، از جمله خروج هرچه سریع‌تر قوای انگلیسی از ایران بود. همسایگی ماکو با شوروی‌ها، به آنها امکان مداخله در امور این ناحیه را با توجه به ضعف

دولت مرکزی می‌داد. از طرفی، قدرت زیاد اقبال‌السلطنه در شمال غرب کشور، شوروی‌ها را در ادامه سیاست فشار شوروی‌ها حاضر به این کار شد و از طرفی، او، به دنبال به دست آوردن حمایت شوروی‌ها از خودش در برابر دولت مرکزی بود و به خوبی می‌دانست که حکومت در ماکو، یعنی منطقه‌ای که با شوروی و ترکیه همسایه است، بدون داشتن رابطه حسنه با این دو کشور مقدور نیست. قدرت زیاد خان ماکو، شوروی‌ها و حکومت‌های قفقاز را دعوت به مذاکره با او می‌کرد. گزارش کارگزاری وزارت خارجه ایران در قفقاز این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد:

«... [اقبال‌السلطنه] طوری خود را جلوه داده که حکومت‌های مزبور [قفقاز] را عقیده بر این است که قطعه ماکو بکلی از ایران مجزی و دارای یک حکومت مستقل و خان ماکو در حوزه حکومت خود از هر حیث صاحب اقتدار و استقلال می‌باشد این مسئله باضافه اینکه به نفوذ و اقتدار دولت شکست وارد می‌آورد حکومت‌های قفقاز را هم از مراجعه به دولت ایران برای احتیاجاتی که دارند تقریباً مستغنی نموده و می‌بینند در صورتیکه باسانی می‌توانند با خان ماکو کنار آمده و مایحتاج خود را بتوسط او از ایران تحصیل نمایند دیگر چه ضرورت دارد با نمایندگان دولت ایران داخل مذاکره و یا عقد مقاله بشوند» (استادوخ: ۱-۹-۴۳-۱۳۳۹ق.)

اقبال‌السلطنه و دیگر خوانین ماکو، به طور موروثی، از طریق املاک وسیع خود و تجارت، ثروت هنگفتی به دست آورده بودند. «در تمام مملکت غیر از ظل‌السلطان و شیخ خزعل اولین پولدار ایران بود. همه را لیره عثمانی می‌کرد. پول‌ها را می‌برد در بانک دولتی روسی در ایروان می‌گذاشت» (تقی‌زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۶۱). میزان سرمایه خوانین ماکو در بانک تغلیس بیش از دو میلیون منات (به پول امروزی در حدود دو میلیون دلار) بوده است، که سهم اقبال‌السلطنه بیشتر از همه بود (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۷۸). اعتماد سردار به روس‌ها و سرمایه‌گذاری هنگفت در بانک‌های قفقاز، نشانه پیوند دیرینه سردار با روس‌ها و روابط محرمانه آنهاست. خوانین، علاوه بر ماکو و خوی، در ایروان هم دارای املاک بودند (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۳۰۷). سردار، به دلیل پیوندهای نسبی با پناه‌خان ایروانی، در این ناحیه برای خود املاکی خریداری کرده بود.

سردار، در کنار پیوندهای سیاسی و اقتصادی با منتفدین آن سوی ارس و روسیه، با این منطقه روابط فرهنگی هم داشت. وی، در سال ۱۲۹۶ ش. / ۱۳۳۵ ق. مدرسه‌ای به نام «اقبال» در ماکو تأسیس کرد. او تمام مخارج آن را برعهده گرفته بود (ساکما: ۲۶۵۷۲-۲۹۷۰). تمام اثاثیه و میز و نیمکت مدرسه از تغلیس خریداری شده بود و در آن به زبان‌های روسی و فرانسوی تدریس می‌شد. مدیریت مدرسه هم با یک روسی به نام کنگرنسکی بود و به معلمان مدرسه



ماه‌یانه ۲۰ تومان حقوق پرداخت می‌شد. این مخارج مدرسه از طریق املاک وقفی سردار به مدرسه تأمین می‌شد (موسوی ماکویی، ۱۳۸۱، صص ۱۱۱-۱۱۲). این مدرسه، احتمالاً تا سال ۱۳۰۱ ش. دایر بود (ساکما: ۱۴۱/۲۵۰۰۰). تأسیس مدرسه در ماکو و اداره آن توسط روس‌ها و تدریس زبان روسی در آن، نشانه نفوذ فرهنگی روسیه در ماکو و روابط فرهنگی سردار با روس‌هاست.

نتیجه‌گیری

خان‌های ماکو، از همان سرآغاز اعزام به ماکو، روابطی با آن سوی ارس داشتند. این روابط، در ابتدا بیشتر خانوادگی بود. دلیل این امر، منشأ مشترک ایشان با ایل بیات ساکن ایروان بود. اما اعضای این خاندان، در دوره‌های بعدی، در کنار حفظ روابط خانوادگی و سببی با حکام و متنفذین آن سوی ارس، به ایجاد و گسترش پیوندهای سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی هم با آنها دست زدند. خان‌ها و حکام ماکو، به‌ویژه بعد از به‌قدرت رسیدن اقبال‌السلطنه ماکویی، روابط خود را با قفقاز گسترش دادند. روابط ماکویی‌ها، با آن سوی ارس، به تدریج حالت سیاسی و اقتصادی به‌خود گرفت و در مقاطعی این مناسبات در قالب یک معاهده رسمی تبلور یافت. اهداف خوانین از این روابط، از یک‌سو تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود و از طرفی به‌دست آوردن حمایت روس‌ها برای ادامه حکومت خود در ماکو بود، روس‌هایی که در شمال ایران قدرتی بیشتر از اقتدار دولت مرکزی ایران داشتند. حکومت در منطقه سوق‌الجیشی ماکو، که مورد طمع روس و عثمانی بود، جز با ایجاد روابط با این دو قدرت و حفظ موازنه ظریف در روابط با آن دو کشور مقدور نبود. دولت مرکزی ایران به قدری ضعیف بود که قدرت حمایت از خان‌های ماکو و دیگر متنفذین مرزی را در برابر مطامع روسیه نداشت. پس، در این شرایط، عاقلانه‌ترین راه برای خان‌های ماکو، ایجاد روابط با روس و عثمانی و سرسپردگی ظاهری به یکی از این دو قدرت بود، تا بتوانند، قدرت خود، و در نتیجه حاکمیت دولت مرکزی ایران را در ماکو حفظ کنند. حکام ماکو، در اجرای این سیاست و حفظ تمامیت ارضی ایران در این منطقه موفق بودند و برخلاف سیاست روس و عثمانی، هرگز درصد سرسپردگی کامل به این دو قدرت برنیامدند. هدف حکام و متنفذین قفقاز هم از ایجاد رابطه با ماکویی‌ها، در ابتدا، بیشتر خانوادگی و اقتصادی بود، ولی در ادامه آنها به رابط میان دولت روس و خوانین ماکو تبدیل شدند و نقش مهمی در متمایل کردن اقبال‌السلطنه و دیگر خوانین به سوی سیاست روسیه ایفا کردند. روس‌ها، برای نفوذ در شمال ایران- که آن را حوزه نفوذ طبیعی خود می‌دانستند- و متمایل کردن حکام و سران ایلات و عشایر شمال ایران به سوی خود، برای سلطه بیشتر بر ایران از ایجاد روابط با خان‌های ماکو استقبال می‌کردند.



منبع

- آبادیان، حسین (۱۳۸۵). *ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سلیسی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۴۹). *صدرالتواریخ* (محمد مشیری، کوششگر). تهران: وحید.
- افتخاری بیات، حسینقلی (۱۳۸۱). *تاریخ ماکو* (حسین احمدی، کوششگر). تهران: شیرازه.
- انصاری، مسعود میرزا مستوفی (۱۳۴۹). *تاریخ زندگانی عباس میرزا نایب‌السلطنه* (محمد گلبن، کوششگر). تهران: کتابخانه مستوفی.
- بامداد، مهدی (۱۳۴۷). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. تهران: کتابفروشی زوار.
- بشیری، احمد (۱۳۶۳). *کتاب آبی* (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان درباره انقلاب مشروطه ایران). تهران: نشر نور.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۷۲). *زندگانی طوفانی* (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده). (ایرج افشار، کوششگر). تهران: علمی.
- خورموجی، محمد جعفر (۱۳۴۴). *حقایق الاخبار ناصری* (حسین خدیو جم، کوششگر). تهران: کتابفروشی زوار.
- ریاحی، محمد امین (۱۳۷۲). *تاریخ خوی*. تهران: توس.
- سپهر، محمد تقی (۱۳۵۳). *ناسخ‌التواریخ* (محمد باقر بهبودی، مصحح). تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- سعدوندیان، سیروس (کوششگر)، (۱۳۸۰). *قاجاق کرم: خاطراتی از دوازده سال طغیان و یایگیری در قفقاز*. تهران: شیرازه.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲). *ایران عصر صفوی* (کامبیز عزیزی، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- شیخ‌الاسلام، میرزا عبدالامیر (۲۵۳۶ [۱۳۵۶]). *دو سند از انقلاب مشروطه ایران*. بی‌جا: نشر توکا.
- ضرغام، شهریار (۱۳۶۹). *گزارش‌های تلگرافی آخرین سالهای عصر ناصرالدین شاه، خبرهایی از خوی*. بی‌جا: بی‌نا.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۰). *تلگرافات عصر سپهسالار*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- عزیزالسلطان (۱۳۶۷). *روزنامه خاطرات عزیزالسلطان «ملیجک ثانی»*. (محسن میرزایی، کوششگر). تهران: زریاب.
- فووریه (بی‌تا). *سه سال در دربار ایران* (خاطرات دکتر فووریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار). (عباس اقبال آشتیانی، مترجم). (همایون شهیدی، کوششگر). تهران: دنیای کتاب.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: صدای معاصر.
- کسروی، احمد (۱۳۸۴). *تاریخ هجده ساله آذربایجان*. تهران: امیرکبیر.
- مستوفی، عبد الله (۱۳۷۷). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. تهران: زوار.

موسوی ماکویی، میراسدالله (۱۳۸۱). **تاریخ ماکو**. تهران: بیستون.
ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۹). **روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان ۱۲۹۵ ه.ق.** (فاطمه قاضیها، کوششگر) تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
نصرت ماکویی، محمد رحیم (بی تا). **تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو**. قم: چاپخانه علمیه.
هدایت (مخبر السلطنه)، مهدی قلی (۱۳۷۱). **خاطرات و خطرات**. تهران: زوار.
هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰). **تاریخ روضه الصفاى ناصرى** (جمشید کیان فر، کوششگر). تهران: اساطیر.

مقالات

آقازاده، جعفر (۱۳۸۸ بهار). فرجام اقبال السلطنه ماکویی. **گنجینه اسناد**، ۱۹(۱).
آقازاده، جعفر؛ بیات، مسعود (۱۳۸۸ زمستان). تبعید اقبال السلطنه ماکویی در جنگ جهانی اول: نمونه ای از مداخلات روس ها در امور داخلی ایران. **گنجینه اسناد**، ۱۹(۴).
دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۵۷). شوکت نامه: میرزا محمد رحیمای وزیر ایروان «بررسی های تاریخی»، ۷۵.
طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۶ بهار و تابستان). روابط اقبال السلطنه ماکویی با دولت مرکزی و شوروی. **گنجینه اسناد**، ۲۵-۲۶.
غنی، قاسم؛ اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۱۲ مهر). غرامت معاهده ترکمنچای و جریان پرداخت آن. **یادگار**، ۱(۲).
انجمن تبریز (روزنامه)، (سال اول).
حبل المتین تهران (روزنامه)، (سال اول).
رعد، (روزنامه) (سال دهم).
آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه.
آرشیو مرکز اسناد سازمان اسناد ملی ایران.

